



جمال شورهچ (فیلمساز)

ابوالقاسم طالبی (فیلمساز)

محمد کاسبی (بازیگر)

رسول ملاپور (فیلمساز)



هالیوود زیر ذره‌بین

نتفلیکس و پرونده سوءاستفاده از کودکان

فاطمه قاسم آبادی

«نتفلیکس» به عنوان مهم‌ترین شبکه اینترنتی دنیا، در حال حاضر فعالیت‌های گسترده‌ای دارد. این شبکه در یک دهه اخیر توانسته، گوی سبقت را از دیگر شبکه‌های کابلی و اینترنتی آمریکایی برپاید و در چند ماه اخیر،با توجه به شیوع ویروس کرونا و اجبار مردم به ماندن در خانه، موفق شد بر ثروت بی حد سرمایه‌گذاران خود بیفزاید و به غولی بی‌رقیب تبدیل شود.

نتفلیکس در چند سال اخیر و به منظور ارتباط بیشتر با مخاطبین در دیگر کشورهای دنیا و مخصوصا کشورهای شرقی، روی پروژه‌هایی سرمایه‌گذاری می‌کند که با کمک نویسندگان و بازیگران وطنی این کشورها، ولی با خط مشی و دیدگاه اتاق فکر نتفلیکس، سریال‌ها و فیلم‌هایی را بسازند....

در این بین، کشورهایی مانند کره جنوبی، ترکیه، چین و هند، بیشترین همکاری را بین کشورهای شرقی با این شبکه داشته‌اند و با وجود تفاوت‌های فرهنگی بسیار، درون مایه این سریال‌های ساخت مشترک، نه تنها با فرهنگ کشور مورد نظر متفاوت از آب در آمد، که در اکثر این ساخته‌ها ها تحقیر مردم یا تاریخ آن کشور و گله از وضعیت محیشی و نشان دادن زندگی رقت بار آن ملت، بسیار به چشم می‌خورد.
فیلم «Cuties» (با ترجمه فارسی «نازاه‌ها») در سال ۲۰۲۰ و به کارگردانی «هایمونا دوکور»، و تهیه‌کنندگی شبکه نتفلیکس، به زبان فرانسوی ساخته شد و به خاطر محتوای نامناسبش که به جسم گرایی نوجوانان و کودکان تکیه کرده و برای این منظور زندگی یک دختر سیاه پوست مسلمان را هدف قرار داده بود، به شدت مورد اعتراض کاربران نتفلیکس قرار گرفت و کلر با جایی رسید که در حال حاضر جنبشی برای لغواشتراک این شبکه، که بین کاربران براه افتاده است....



داستان فیلم «نازاه‌ها» در مورد زندگی دختر نوجوان سیاه پوست ۱۱ ساله‌ای به نام «امی» است. این دختر که در خانواده‌ای مسلمان به دنیا آمده، محیط زندگی خود را بسیار خسته‌کننده و دل مرده می‌داند. ولی طولی نمی‌کشد که زندگی امی از زمانی که با گروهی از دختران هم سن و سال خود، آشنا می‌شود، تغییرات زیادی می‌کند. این گروه که از قضا علاقه شدیدی به رقصیدن دارند، امی را هم به سمت علباق و سبک زندگی خودشان می‌کشند.

بعد از شروع دوستی این دختر با دیگر دختران رقصنده، امی روز به روز از سبک زندگی خود و خانواده‌اش متنفرتر می‌شود و بیشتر به سمت سبک فانزتی که در دنیای دوستانش وجود دارد، کشیده می‌شود. در نهایت امی به خاطر رسیدن به آرزوهایش تمام ارزش‌های خانواده‌اش را فدا کرده و زیر پا می‌گذارد....

کلیشه‌های تمام نشدنی هالیوودی

در فیلم «نازاه‌ها»، تمام ایده‌های کلیشه‌ای هالیوود، دوباره ظهور می‌کند؛ در این فیلم مخاطبین، دختر نوجوان سیاه پوستی را می‌بینند که از قضا در خانواده‌ای مسلمان به دنیا آمده و محیط زندگی اش پر از فقر و نکبت است. این تصویر فلک زده و برپاد رفته که تصویر همیشگی و مورد علاقه هالیوود از زندگی مسلمانان است، در فیلم «نازاه‌ها» نقطه شروع ماجراست.

بعد از سکاسن‌های اولیه، فیلم با صحنه‌هایی از ملاقات امی با دختری نوجوان و سفید پوست، پیش می‌رود. از اینجا به بعد در داستان، مخاطب می‌بیند دختری که مثلا در خانواده مسلمان به دنیا آمده و طبق آموزه‌های اسلامی بزرگ شده است، شنیع‌ترین کارها را انجام می‌دهد و برای نمایش خود از هیچ راهی کوتاهی نمی‌کند و تا جایی پیش می‌رود که دوستان و همگروهی‌های فرانسویش هم از وجودش خجالت می‌کشند و از گروه دوستی خودشان بیروزش می‌کنند! زنان مسلمان تحت ستم، زندگی پر از نکبت و فقر، پدری که از ابتدا تا انتهای داستان وجود خارجی ندارد، ی‌بند و باری به عنوان راهی برای فراموشی درد‌ها و... از جمله تیرهای گل درشتی است که در «نازاه‌ها» به چشم می‌خورد.

این فیلم با توجه به کارگردانی ضعیف و فیلمنامه بی‌سر و تهش نتوانست نظر هیچ منتقدی را بخود جلب کند ولی به خاطر صحنه‌های مبتذلش در نشان دادن دختران نوجوان، اعتراضات بسیاری را برانگیخت و سرر و صدای زیادی در آمریکا براه انداخت و باعث شد تا پایین‌ترین نمرات برای این فیلم رقم بخورد و بسیاری از خانواده‌ها نه تنهااشتراک با نتفلیکس را قطع کردند که جنبشی برای تشویق کاربران دیگر به منظور لغواشتراک با این شبکه براه افتاد.

ضیافتی برای منحرفین و مخالفین

در فیلم «نازاه‌ها»، مخاطبین با فانتزی‌های کنفی کارگردان، از دختران نوجوانی روبروست که از قضا بیشترشان، حتی از نظر جسمی به بلوغ هم نرسیده‌اند ولی به شدت مایلند با جنس مخالف رابطه برقرار کنند!

در این فیلم که مثلا داستان زندگی دختری مسلمان و دوستان هم سن و سالش در آن به تصویر کشیده می‌شود، با درجه R به هیچ وجه مناسب دیدن برای یک نوجوان هم سن و سال بازیگرانش نیست و برعکس کاملا برای افراد بزرگسال ساخته شده است.

صحنه‌های تهوع آور بدن‌نمایی این دختران نوجوان باعث می‌شود که فیلم بیشتر از اینکه رویگتر داستانی باشد، به ضیافتی برای منحرفین تبدیل شود و ذهن بینندگان را آلوده‌تر کند!

در «نازاه‌ها» مخاطب قرار است دختری مثلا مسلمان را ببیند که از تمام قسمت‌های زندگی خود و دین خانواده‌اش بیزار است و با طغیان سعی در از بین بردن نشانه‌های هویت خود دارد. این مسئله با توجه به شدت گرفتن میل مردم اروپا و بویژه مردم فرانسه به مسلمان شدن، کاملا نشان می‌دهد که نویسندگان فیلم قرار است با تحقیر مسلمانان، اندکی از خشم خود را نسبت به این گرایش بکاهند.

اتهام وارد است

درست است که در حال حاضر شبکه نتفلیکس، با توجه به اعتراضات اخیر، برای از نداشتن مخاطبینش که پول‌های قابل قبولی را ماهانه به حسابش واریز می‌کنند، اتهام توسعه جسم گرایی در کودکان و نوجوانان را رد می‌کند ولی با توجه به ساخته‌های قبلی این شبکه و دیدگاه کلی‌اش و همچنین به خاطر رسوایی «پد هستینگز» به عنوان رئیس هیئت‌مدیره شبکه نتفلیکس (که هم‌زمان عضو هیئت‌مدیره شرکت فیس‌بوک نیز هست) که به خاطر اتهام ۱۳هزار پرونده پورنوگرافی کودکان، توسط عوامل FBI دستگیر شده است، جای شکی باقی نمی‌ماند که این اتهام کاملا وارد است و «نازاه‌ها» صرفا یک فیلم دم دستنی نبوده، بلکه قرار است شروع واضحی باشد برای رواج هرچه بیشتر سوءاستفاده از کودکان و نوجوانان در فیلم‌ها و سریال‌های آینده هالیوودی.

البته وقتی زندگی شخصی اعضای رده بالای این شبکه آلوده به چنین فسادهایی است، مشخص است که برای گسترش این دیگه و عادی سازی آن از ساخته‌های خود کمک می‌گیرند و سلیقه مخاطبین ناآگاه را به سمت علاقه‌مندی به چنین فسادهایی می‌برند و برای رسیدن به چنین هدفی، حتما اتاق فکرهایی وجود دارد که با برنامه‌ریزی دقیق و حساب شده، پله پله راه را برای محقق شدن این تفکرات طراحی می‌کنند.



جواد اردکانی (فیلمساز)

شهید آوینی (فیلمساز)

مجید مجیدی (فیلمساز)

هادی محمدیان (یوتی‌اتا)

فرح‌الله سلحشور (فیلمساز)

ایراهیم خانی‌کیا (فیلمساز)

مهدی قلیه (بازیگر)

پروانه معصومی (بازیگر)

مهدی نجویان (مستندساز)

داود میربالایی (فیلمساز)

پرویز شیخ‌طای (فیلمساز)

شهریار بحرانی (فیلمساز)

چه کسانی باید پاسخگوی وضعیت خانه هنر مندان باشند؟

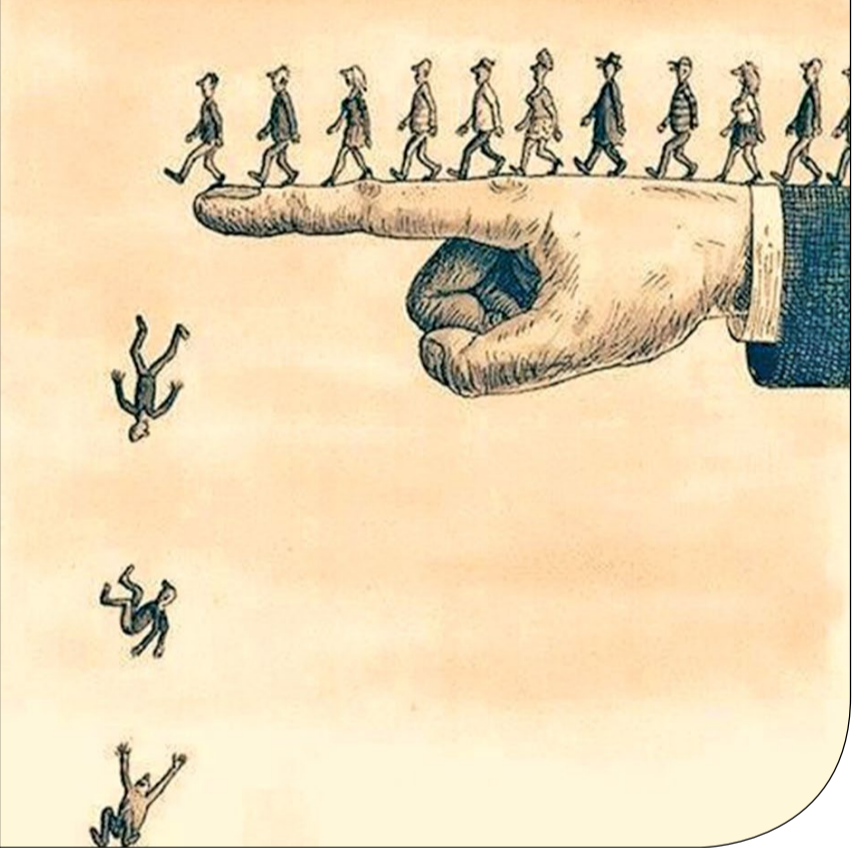
هنر مندان، حدود یک دهه سابقه مدیریت دارد؛ مردی که این روزها در رسانه‌ها، نظام و کشور را به انواع مختلف مورد متلک و تهمت‌زنی قرار داده و با سیاست فرار به‌جلو سعی در درگم‌کنی و پنهان کردن حقیقت ماجرا دارد به‌طوری‌که مثل او حکایت آن زدنی را دارد که از خانه خود جلوتر از مردم کوچه و بازار فریاد «دزد را بگیرید» سر می‌دهد.

آری او باسابقه حدود یک دهه مدیریت نه در مقام سؤال‌کننده که امروز باید در جایگاه پاسخگویی قرار بگیرد که چرا ظرفیت فرهنگی و هنری کشور را که با بودجه بیت‌المال اداره می‌شود این چنین بی‌دری در رسانه‌ها حضور دارد و نسبت به این موضوع موضع‌گیری‌هایی سطحی و عوام‌فریبانه انتحام می‌دهد اما نکته قابل‌تأمل اینکه این مدیر به‌اصطلاح هنرمند به‌جای بررسی ریشه دقیق مشکلات فعلی خانه هنرمندان از سیاست تهمت زدن و توهین کردن استفاده کرده و همسو با اتاق فکر دشمنان، خوراک‌های خبری برای رسانه‌های آن‌سوی آبی فراهم می‌کند. وی در گفت‌وگوهایش دوران مدیریتت خود را یکی از بی‌نقص‌ترین دوران معرفی کرده و سایر مدیران را هرکدام به نحوی مقصر شرایط فعلی قلمداد می‌کند درحالی‌که شرایط کنونی خانه هنرمندان ایران محصول مدیریت نه یک فرد که معرف‌ی کرده و سایر فعالیت بر این خانه مدیریت مقصر نتیجه سیاست‌های اشتباه هرچهار مدیرعاملی است که در دو دهه فعالیت بر این خانه مدیریت کردند، مدیرانی که این روزها صدایی از آنها درنمی‌آید و انگارنه‌انگار که آنان نیز در پیدایش شرایط موجود سهیم هستند.

اما در میان مدیران عامل خانه هنر مندان، غریب پور تنها مدیری است که از ۲۰ سال فعالیت خانه

وقتی سلبریتی‌ها قاضی می‌شوند!

رضا صفری



سلبریتی‌ها در امور حیاتی جامعه، بازی هشتگ و لایک ترتیب دهند. زیرا در اینجا بحث حق و حقوق

قطعاً نهادهای نظارتی و قوه قضایی باید در ایسن موضوعات ورود پیدا کنند و اجازه دهند که

صفحه ۸

دوشنبه ۷ مهر ۱۳۹۹

۱۰ صفر ۱۴۴۲ - شماره ۲۲۵۷۴



سازمان‌یافته فرهنگی مطرح می‌شود وعناصر این برنامه در رسد نهادهای نظارتی ق‌قرار دارند این مدیرعامل اسبق و مستعفی نه یک عنصر که یکی از برنامه‌ریزان نفوذ و ناتوی فرهنگی در کشور به نبوده و نخواهد بسود فردی که هم‌کنون عضو از حضور در هیچ کدام از عناوین و بست‌های این نظام اعضای سیاست‌گذاری سالن‌های تئاتری وابسته به خانه هنرمندان است و قطعا حضور او خسارت جبران‌ناپذیری به فعالیت‌های تئاتری این مجموعه فرهنگی خواهد داشت بنابراین می‌بایست از این سمت نیز کنار گذاشته شود.

برخی از آنها از زبان خودشان باشد و این احتمال قوی وجود دارد که جریان امنیتی چه در داخل و چه در داخل کشور، خوراک رسانه‌ای را به دست آنها می‌رساند و آنها نیز بوقچی‌وار در میان مردم پخش می‌کنند. در واقع ما امروز با پدیده‌ای به نام سربازان امنیتی دشمن، با رنگ و لعاب فرهنگ روبه‌رو هستیم. نکته پایانی اینکه هر چند در دین مبین اسلام برای پیشگیری از تکرار ظلم و ستم و اجتماع و حمایت از سایر افراد بی‌گناه و همچنین دفاع از کسی که به ناحق و به عمد کشته شده، حکم قصاص در نظر گرفته شده است و عدم قصاص تنها باید با رضایت ولی دم و خانواده مقتول باشد، اما در پایان یک پیشنهادی هم به سلبریتی‌های حامی هشتگ «# اعدام نکنید» داریم. به‌صورت مکتوب بنویسند و همچنین در فضای مجازی داد بزنند که اگر کسی از آنها، فرزندان و خانواده‌شان را با چاقو و اسلحه و با هر وسیله دیگری، به عمد بکشد، آنها راضی هستند و رضایت می‌دهند که قاتل آزادانه بگردد و تازه یک دسته گل هم به او اهداء می‌کنند!

البته اگر آنها اگر گوشی دم دست خود یا نزدیکان خود را هم گم کنند، داد و فریاد می‌زنند و از نظام قضایی و انتظامی کشور انتظار دارند که گوشی آنها را پیدا کنند. ح‌حال چگونه می‌خواهند جان خود را در طبق اخلاص برای قاتلین بگذارند، خدا می‌داند؟ در هر صورت، اینکه از همین ابتدا چنین ادعای می‌کنند، اما مهم‌تر از این، جریانی سیاسی- امنیتی در بدنه سلبریتی‌ها نفوذ کرده است که مسئولیت صدور بیانیه و خط‌داهی به سلبریتی‌ها را به عهده دارد و سلبریتی‌ها نیز با نگاه به همدیگر و بدون اطلاع از عمق قضایا، تبدیل به ماشین‌امضای بیانیه‌ها و هشتگ‌ها و لایک‌ها می‌شوند.

در کنار آن، مدت‌هاست که فعالیت و نوع رفتار برخی سلبریتی‌ها در فضای مجازی به‌گونه‌ای شده است که این شائبه را به وجود آورده که مستقیم و یا غیرمستقیم با افرادی از جریان فحری، عربی، آمریکایی در ارتباط هستند. از طرفی با توجه به سطح سوادی که از این عده سراغ داریم، سخت است که بپذیریم نوع ادبیات به کار رفته در توئی‌تها و اظهارنظرهای

ندارد و مسئله‌ای کاملا شخصی است در چارچوب افکار و عقاید و سلیقهٔ او، مشروط بر اینکه جناب نویسند هم به مقتضای عقل و انصاف، اینگونه توهّمات مخدّرگونهٔ ذهنش را در حقیقت محض نهندارد و اصرار نداشته باشند به ضرب و زور تبلیغات، تمام و کمال آن را در افکار و اذهان خلق‌الله فرو کند .

دو – از فردای دَوَم خرداد هفتاد و شش، با روی کار آمدن عدع‌ای از دل بستگان به ایده‌های



علیرضا جخماقی

بهمن و بهزاد و احمد آقا و جوادخان و دیگران!

کنندهٔ همهٔ ابعاد ماجرا و نمایانگر تمام واقعیت نیست و باید توجه کرد که اگر در ایام پیش از انقلاب با نبود یا کمبود امکانات تقریحی، سینما رفتن از تقریحات مهم و وسیلهٔ گذران اوقات محسوب می‌شده است، پس نمی‌توان استقبال نسبی مردم از سینما را دلیل مردمی بودن آن سینما به حساب آورد.

البتّه چگونگی شکل‌گیری و ساختار سینمایی قبل از انقلاب و آثار و نتایج خوب و بد آن، بحث مفصلی است که فلا جایش در اینجا نیست و این مختصر، تنها‌اشاره‌ای است به چند نکته :

اینکه با در گذشت، چهره‌های معروف و حتی غیر معروف سینمای عصر سبری شده، بعضی از سینمایی‌نویسان بهانه‌ای پیدا می‌کنند برای اظهار مکتوبات درونی و ابراز علاقه به آن سینما و باز یگراتش، در خوشبینانه‌ترین حالت ممکن، یا حاکی از بی‌خبری محض چنین افرادی است از اوضاع اسف بار آن سینما، یا نمایانگر سطح نازل فکر و سلیقه اینگونه‌افرادوگر نه‌فردی‌ب‌و تحمیق مردم‌است‌در‌قالب‌تعریف‌از‌سینمایی که (جز در موارد اندک و انگشت‌شمار) حال و روزش تعریفی نداشت.

یک- اگر فلان سینمایی‌نویس، به هر دلیل شخصی یا غیر شخصی دوست دارد، در زمان‌های گذشته زندگی کند و در عوالم ذهنی‌اش، به سیر و سفر بردارد، خب چنین چیزی، هیچ‌شکالی

و نقصان بزرگی که رفع نمی‌شود مگر با بریدن بند ناف این سینما با سینمای مبتذلی که مدتی است افراد خاصی، با تبلیغات وسیع و البته اهدافی معین، در صدد زنده کردن مردهٔ آن هستند. سه – اینکه با در گذشت، چهره‌های معروف و حتی غیر معروف سینمای عصر سبری شده، بعضی از سینمایی‌نویسان بهانه‌ای پیدا می‌کنند برای اظهار مکتوبات درونی و ابراز علاقه به آن سینما و بازیگراتش، در خوشبینانه‌ترین حالت ممکن، یا حاکی از بی‌خبری محض چنین افرادی است از اوضاع اسف بار آن سینما، یا نمایانگرسطح نازل فکر و سلیقه اینگونه افراد و گرته فریب و

می‌شود: مسعود کیمیایی !..